

بررسی جایگاه برنامه ریزی منطقه ای در روند برنامه آموزشی (مطالعه موردی: دبیران ناحیه ۴ شهر مشهد)

محمد خزاعی^{۱*}

محبوبه سلیمان پور عمران^۲

حسین اصغری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۸ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی جایگاه برنامه ریزی منطقه ای در روند برنامه آموزشی انجام گرفته است. بدین منظور، تأثیر متغیر مستقل برنامه ریزی منطقه ای از بعد نابرابری اجتماعی و فضایی شامل شاخص های (امکانات فیزیکی فضاهای آموزشی، شاخص منابع انسانی، امکانات اقتصادی)، بر متغیر وابسته (برنامه ریزی آموزشی) مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری دبیران ناحیه ۴ شهر مشهد به تعداد ۱۱۲۰ نفر که با روش نمونه گیری تصادفی ساده، ۲۸۶ نفر، به عنوان نمونه انتخاب شدند. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش و ماهیت، از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی می باشد. همچنین، در این تحقیق از پرسشنامه برای ابزار جمع آوری داده ها و برای آزمون فرضیات نیز، از روش تی استیودنت به کمک نرم افزار SPSS22.0 استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل فرضیه ها حاکی از آن است که، برنامه ریزی منطقه ای و ابعاد آن (امکانات فیزیکی فضاهای آموزشی، شاخص منابع انسانی، امکانات اقتصادی)، در روند برنامه آموزشی دبیرستان ها تأثیر مثبت و معناداری دارد. بعلاوه، نتایج آزمون فریدمن نشان داد، متغیر امکانات اقتصادی بیشترین تأثیر و پس از آن متغیرهای منابع انسانی و امکانات فیزیکی، به ترتیب بیشترین اهمیت را در روند برنامه ریزی آموزشی در دبیرستان ها دارند.

واژگان کلیدی

برنامه ریزی منطقه ای، برنامه ریزی آموزشی، آموزش و پرورش.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (* نویسنده مسئول: m.khazaei881@yahoo.com)

^۲ استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (soleymanpour@bojnourdiau.ac.ir)

^۳ استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، ایران. (hasghry@gmail.com)

۱. مقدمه

جامعه بشری در شرایط کنونی جهان، در رابطه با فضای مورد استفاده اش، نمی تواند بدون مطالعات لازم و همه جانبه متکی به آینده نگری و برنامه ریزی دراز مدت به ویژه برای نسل های آینده به زندگی مطلوب ادامه دهد. در کنار ایجاد تعادل منطقه ای در رابطه بین انسان، فضا و فعالیت های انسان و انتخاب مکان طرح ها و پروژه ها برای سرمایه گذاری، توجه به آموزش و پرورش بیش از گذشته ضرورت دارد. آموزش و فعالیت های آن، تاثیر انکارناپذیر در برنامه ریزی منطقه ای دارد و از طرف دیگر، برنامه های و طرح های منطقه ای و آمایش سرزمین، در تنظیم برنامه های آموزشی می تواند موثر باشد (ثری و گرائی نژاد، ۱۳۹۲).

برنامه ریزی منطقه ای نوعی برنامه ریزی بلندمدت برای توزیع بهتر جمعیت و فعالیت های اقتصادی در زمینه منابع طبیعی به منظور افزایش رفاه و توسعه جامعه است. در واقع، برنامه ریزی منطقه ای، عبارتست از فرایند، توجیه، تبیین و روشن نمودن آرمان های اجتماعی و ارائه راه حل هایی در جهت ساماندهی به فعالیت ها. برنامه ریزی منطقه ای مانند دیگر برنامه ریزی ها عمیقاً نیازمند آینده نگری است. زیرا، نگرش برنامه ریزی منطقه ای به آینده می بایستی وسیع تر، نافذتر و سنجیده تر باشد، تا بدین وسیله بتواند در برنامه ریزی در استراتژی ها و روش های فناورانه آینده نگری مناسب تر بهره گرفته و تصویر دقیق تر و درست تری از آینده ارائه دهد. بررسی کلی میزان موفقیت برنامه های بعد از انقلاب گویای این نکته است که اگرچه این برنامه ها همسو با آرمان های انقلاب اسلامی سیر محتوایی مثبت داشته اند، اما در واقع نتوانستند تا حد مطلوب و مناسبی بدین امر دست یابند و مسائل و موانع توسعه متعادل منطقه ای همچنان به قوت خود باقی است (سیف الدینی، ۱۳۸۹).

از طرفی، برنامه ریزی در آموزش به روش های متعددی انجام می شود. یکی از این روش ها برنامه ریزی منطقه ای و مبتنی بر سرزمین است، که از پیشینه قابل توجهی در جهان برخوردار است. در کشور ما نیز در ادواری از سال های پیش و پس از انقلاب اسلامی به آن پرداخته شده، اما وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۸ این موضوع را بطور جدی مطرح نموده و در صدد است گسترش آموزش عالی به ویژه پذیرش دانشجو، اختصاص و تصویب دوره ها و رشته ها برای مراکز مختلف آموزشی و حتی بازنگری دروس را بر اساس آن انجام دهد (نیلی، ۱۳۹۲).

توسعه اجتماعی در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای دست و پاگیر و زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوبتری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد. ملاحظه می شود که، توسعه اجتماعی در قیاس با مفاهیمی چون توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی حوزه وسیع تری را در برمی گیرد. برای رسیدن به توسعه، جوامع دست به برنامه ریزی آموزشی می زنند، نقش اساسی نهاد آموزش و پرورش کشورهای جهان از طریق برنامه ریزی آموزشی برای همگانی کردن آموزش و گسترش آموزش های فنی و حرفه ای و تربیت نیروی انسانی کارآمد در دستیابی به توسعه، از سال ۱۷۲۳ میلادی مطرح شد. با توجه به انواع آموزش ها (آموزش رسمی، آموزش نیمه رسمی، آموزش غیر رسمی) در جهان، نهادها و مؤسسات مختلفی برای برنامه ریزی آموزشی دوره های غیر رسمی؛ ابتدایی؛ متوسطه و عالی تاسیس شده است. ضرورت توجه به آموزش در سطح بین المللی از دهه ۱۱ میلادی آغاز شد و در دهه ۱۳ دولت ها با پذیرفتن

تعهداتی در قالب کنوانسیون ها و اجلاس های بین المللی در گسترش آموزش در سطح کشورها اقدام کردند (رستمی و ملکی، ۱۳۹۴).

در جامعه های دانش مدار امروزی، کیفیت آموزشی و نظام علمی به مسئله ای راهبردی برای بقا و توسعه و حاکمیت سرزمینی ملت ها مبدل شده است و بدون آن امکان اداره خوب کشور فراهم نمی گردد. کیفیت در آموزش و پرورش نیاز به طرحی دارد که برنامه ریزی ها بر اساس آن انجام گیرد. از این رو، حفظ و تداوم کیفیت آموزش های مدارس نیز مستلزم برنامه ریزی های مدبرانه است. آموزش و پرورش به عنوان یکی از زیر بخش های اصلی در بخش خدمات به شمار می رود. بنا به گزارش نهایی برنامه ریزی منطقه ای استان خراسان رضوی، بخش خدمات به عنوان کلیدی ترین بخش توسعه استان معرفی شده است. در توجیه این امر خاطر نشان می شود که، ماموریت کلیدی بخش خدمات، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین، نقش بخش خدمات در روند توسعه به عنوان مکمل سایر بخش ها انکار ناپذیر است. سایر بخش ها زمینه های لازم را برای روند رشد و توسعه فراهم می آورند ولی بخش خدمات، اهرم واقعی توسعه است. بخش خدمات علاوه بر اینکه، تامین کننده وسایل و ابزار اولیه و زمینه های توسعه است، به خاطر تنظیم و ساماندهی پیوندهای فضایی موجود بین نیازها و امکانات، نقش پیشگامی مدیریت توسعه را بر عهده دارد. در میان خدمات مختلف مورد نیاز استان، اولویت با خدمات اجتماعی از جمله، انواع آموزش ها شامل آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه ای، آموزش عالی، به علاوه پژوهش و فرهنگ و هنر، بهداشت و درمان می باشد. براساس سند چشم انداز ۱۴۰۴ آموزش و پرورش، کشورمان باید سرآمد، رقابت پذیر، دارای هویت ایرانی، اسلامی و پیشتاز در منطقه جنوب غربی آسیا باشد؛ بنابراین آموزش و پرورش باید در راستای اهداف و برنامه های خود، به جایگاه مورد انتظار در منطقه برسد. این مهم جز از مسیر برنامه ریزی منطقه ای و ماموریت گرایی در آموزش و پرورش، محقق نمی شود. لذا، هدف اصلی از برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین ایجاد تعادل انسان، فضا و فعالیت های انسان در فضا به صورت بلندمدت است، اما تنظیم اهداف برنامه های میان مدت و کوتاه مدت نیز در تمامی دستگاه ها و از جمله سازمان آموزش و پرورش ضروری است. از طرف دیگر، سازمان آموزش و پرورش دارای ویژگی هایی است که می تواند ضمن پیگیری اهداف اصلی خود یعنی تعلیم و تربیت نیروی انسانی در ابعاد مختلف، با جهتگیری های مناسب، به ویژه در انتخاب مکان و فضای آموزشی خود، در راستای تحقق اهداف کلی برنامه ریزی منطقه ای به خوبی عمل کند. در این مقاله برآنیم تا به تحلیلی کوتاه از ویژگی های برنامه ریزی منطقه ای در سازمان آموزش و پرورش و ارتباط آن با برنامه ریزی آموزشی بپردازیم.

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲-۱. برنامه ریزی منطقه ای

توجه به برنامه ریزی منطقه ای در ایران تقریباً هم زمان با شروع آن در فرانسه و بعد از جنگ دوم جهانی و تقریباً با اهدافی مشابه اهداف اولیه کشور مذکور آغاز می گردد و نخستین گام در این خصوص تأسیس شورای عالی اقتصاد در سال ۱۳۱۶ است. می توان گفت که فکر برنامه ریزی منطقه ای در کشور ما از سال ۱۳۲۷، یعنی شروع اولین برنامه عمرانی، مطرح شد و طی برنامه های عمرانی بعدی به تدریج در مفهوم و کارکرد دچار تحول شد، تا اینکه در برنامه پنجم عمرانی قبل از انقلاب در شکل طرح جامع سرزمین یا آمایش سرزمین و پس از انقلاب نیز در برنامه اول توسعه

تحت عنوان سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت مطرح گردید و در برنامه های دوم و سوم توسعه، به شکل جامع تری پی گرفته شد. در واقع برنامه اول مجموعه ای از پروژه ها و طرح های ارزیابی شده در زمینه کشاورزی، صنایع و اکتشافات و بهره برداری از معادن، امور بهداشتی و آموزش و پرورش و مانند آنها بود. دفتر برنامه ریزی منطقه ای از سال ۱۳۶۲ مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران را شروع کرد و در سال ۱۳۶۴ به تدوین چارچوب نظری توسعه استان ها و مقدمات تهیه طرح های آمایش استانی پرداخته است و بعدها خط مشی ملی و منطقه ای را از دیدگاه آمایش در برنامه دوم توسعه کشور مطرح ساخت. چندی بعد طرح جامع استانی به تدریج برای یکایک استان های کشور به وسیله سازمان برنامه و بودجه استان ها تهیه شد (سیف الدینی، ۱۳۸۹).

برنامه ریزی منطقه ای رشته ایست بین رشته ای و ماهیتی چهارگانه دارد که از همپوشی اقتصاد، جغرافیا به برنامه ریزی شهری و نظریه های مکانی به دست می آید. از آن جا که برنامه ریزی منطقه ای به برنامه ریزی در سطحی میانه است می تواند شکاف میان برنامه ریزی در سطح ملی و محلی را پر کند. در برنامه ریزی منطقه ای سعی بر آن است تا حوزه هایی که دارای ویژگی ها و استعدادهای بالقوه و مسائل اقتصادی - اجتماعی خاص هستند جدای از سایر مناطق مورد توجه قرار گیرند. برنامه ریزی منطقه ای عبارتست از، فرایند توجیه، تبیین و روشن نمودن آرمان های اجتماعی و ارائه راه حل هایی در جهت ساماندهی به فعالیت ها در فضای فوق شهری. در برنامه ریزی منطقه ای، منطقه به تعدادی زیربخش تقسیم می گردد. هدف های برنامه ریزی منطقه ای از درون منطقه نشأت گرفته می شود، اما راهبردهای برنامه ریزی منطقه ای در ارتباط با برنامه های ملی تعیین می گردند. بنابراین تعادل برنامه ریزی و روابط بین مناطق گوناگون باید در مقیاس برنامه ملی مشخص گردد (وردی نژاد و رحیمیان، ۱۳۹۴).

متأسفانه نگرش حاکم در نظام برنامه ریزی کشور بیشتر متمرکز، بخشی نگر و فاقد توجه کافی به توسعه متعادل مناطق کشور بر اساس ظرفیت های طبیعی و انسانی آنها است. این روند موجب افزایش تضاد و رشد نامتعادل در مناطق کشور شده است. بنابراین، تدوین آمایش سرزمین به عنوان فرآیندی پویا، منعطف و متناسب با ویژگی های جغرافیایی مناطق مختلف کشور یک نیاز و ضرورت اساسی است و از این طریق، امکان رفع نارسایی های نظام برنامه ریزی کشور، حرکت به سمت توسعه متوازن و پایدار، تحقق عدالت اجتماعی و رونق اقتصادی همه جانبه فراهم می گردد (آقاتبار و همکاران، ۱۳۹۷).

با توجه به موارد فوق و تعاریف ارائه شده از آمایش سرزمین می توان موارد زیر را، درخصوص ضرورت برنامه ریزی منطقه ای ذکر کرد:

- شناخت سرزمین و حداکثر استفاده از توانایی های بالقوه مناطق در مورد منابع طبیعی و انسانی در جهت تحقق اهداف ملی؛
- توزیع بهتر جمعیت برای منابع طبیعی و فعالیت های اقتصادی به منظور افزایش رفاه و توسعه؛
- تقسیم وظایف تخصصی و تعیین نقش و مسئولیت خاص هر یک از مناطق کشور در جهت تحقق اهداف توسعه ای ملی و منطقه ای و در نتیجه، جلب مشارکت کلی مناطق مختلف برای تحقق اهداف؛
- متخصص کردن مناطق در بعضی از فعالیت ها یا صنایع و شکل دادن به مجموعه ای از مناطق دارای کارکرد های مکمل در جهت تامین اهداف کلی کشور؛

- تنظیم استراتژی درازمدت توسعه ملی از ابعاد مختلف، به ویژه استراتژی های توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در گستره سرزمین؛
- برقراری هماهنگی در برنامه ریزی های توسعه منطقه ای؛
- برقراری هماهنگی بلندمدت در برنامه های میان مدت بخشی، ایجاد امکان برای تنظیم برنامه های بخشی - منطقه ای و ایجاد پیوستگی و ارتباط منطقی بین طرح های عمرانی؛
- لزوم توجه به محیط زیست و ضرورت بهره برداری بهینه از منابع طبیعی (وحیدی، ۱۳۷۳).

در ایران، به دلیل فقدان یا تعطیلی نهادهای آموزش و پژوهش در برنامه ریزی منطقه ای و کمبود جدی افراد متخصص در این عرصه، عملاً شیوه ها و روش های سنتی یا کلیشه ای و شکل گرا مورد استفاده قرار گرفته است. در تحلیل نهایی نیز نظر کارشناس و یا سلیقه و ذوق طراح و برنامه ریز بیش از نتایج کاربردی الگوها و روش های تحلیل، کاربری عینی و عملی پیدا کرده است. علاوه بر کمبود نیروی متخصص در برنامه ریزی منطقه ای، برخی از برنامه های منطقه ای تهیه شده تا کنون نیز دچار نقصان در محتوا بوده اند و از نظر قابلیت اجرایی با شرایط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران همخوانی نداشته اند. پرداختن به این موضوع از این جهت اهمیت دارد که یکی از اصلی ترین اهداف برنامه های توسعه به ویژه پس از انقلاب، دستیابی به توسعه ای متعادل در سراسر کشور بوده است و تا کنون در این زمینه تلاش های زیادی صورت گرفته است. کاهش سطح اختلاف منطقه ای، جلوگیری از تراکم و تمرکز بیش از حد جمعیت، فعالیت و پیامدهای آن در کلان شهرها، بهره گیری از قابلیت ها و ظرفیت های مناطق حاشه ای و کم فعال، ایجاد اشتغال و درآمد پایدار، ساماندهی مؤثر جریانات حجیم مهاجرتی، و نظایر اینها و در نهایت دستیابی به اهداف توسعه متعادل و پایدار ملی، همگی در گرو حل معضلات و موانع ریشه ای تحقق فرایند مدیریت و برنامه ریزی منطقه ای است که در ساختار تصمیم گیری کلان غیرمتمرکز، با مشارکت فعال همه ذی نفعان منطقه ای از سطوح پایین تا بالای نظام مدیریت و برنامه ریزی ملی تحقق خواهد یافت. به عبارتی دیگر، می توان چنین بحث کرد که بسیاری از مشکلات و چالش هایی که نظام شهری و منطقه ای و حتی ملی امروز ایران با آن روبه روست، ریشه در نظام کلان مدیریت و برنامه ریزی متمرکز و بخشی است که با تقویت بیش از حد نقش همه جانبه تصدی گری دولت در مرکز، کارآمدی انواع طرح ها و برنامه های توسعه ملی و منطقه ای و حتی شهری و روستایی را تحت شعاع نامطلوب قرار داده است.

۲-۲. برنامه ریزی آموزشی

برنامه ریزی، فرآیند آگاهانه تصمیم گیری در مورد اهداف و فعالیت های آینده یک فرد، گروه، واحد کاری یا سازمان است و با تعیین اهداف مشخص، مسیر رسیدن به اهداف را پیش بینی می نماید، لذا برنامه ریزی نیازمند تلاش های ذهنی جهت تصور و طراحی و وضعیت مطلوب و پیش بینی راه ها و مسیرهای نیل به آن می باشد، بسیاری برنامه ریزی را جزء مهمترین وظایف مدیران می دانند که مانند پلی وضعیت حال را به وضعیت آینده مرتبط می سازد و موجب حداقل سازی عدم اطمینان های محیطی می گردد و آن را ابزاری جهت کنترل عملکرد مدیران قلمداد می نمایند. بنابراین، برنامه ریزی، هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیماتی است که مسیر موفقیت سازمان را در نیل به اهداف هموار می سازد. برنامه ریزی چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی و عمومی کمک می کند که در عرصه بروز

تحولات و تغییرات، به شیوه ای کار سازتر عمل شود. برنامه ریزی خوب، بر مبنای پیش بینی حوادث و رویدادهای آینده، عمل می کند و برنامه هایی تنظیم می کند که بتوان آنها را در شرایط گوناگون، اجرا کرد. بدین ترتیب، یکی از شرایط تدوین برنامه خوب، قدرت پیش بینی و ایجاد ظرفیت انعطاف پذیری در برنامه هاست (امیرشقایق، ۱۳۹۴).

از برنامه ریزی آموزشی تعاریف گوناگونی شده است، که از برداشت های متفاوت صاحب نظران نسبت به مقوله برنامه ریزی آموزشی ناشی می شود. برای برنامه ریزی آموزشی را آینده نگری و نقشه کشیدن برای آینده نظام آموزشی می دانند. عده ای آن را پیش بینی نیازها و تخمین منابع برای تحقق اهداف از پیش تعیین شده تلقی می کنند. به تعبیر گروه دیگر برنامه ریزی آموزشی، یعنی تصمیم گیری در برابر آینده آموزش و پرورش. در اصطلاح نامه مرکز منابع اطلاعات آموزشی آمده است، برنامه ریزی آموزشی یعنی فرآیند تعیین اهداف، روش ها، فعالیت ها، منابع و برنامه های موسسات آموزشی. سرانجام فیلیپ کومبز^۱، مدیر کل اسبق یونسکو، برنامه ریزی آموزشی را بکار برد روش های تحلیلی در مورد هر یک از اجزاء نظام آموزشی به منظور ایجاد یک نظام آموزشی کار آمد می داند. تعریفی که کومبز در دهه ۱۹۷۰ از برنامه ریزی آموزشی کرده است تا به امروز مورد قبول بسیاری از صاحب نظران است (محسن پور، ۱۳۸۹). برنامه ریزی آموزشی به معنای وسیع آن عبارت است از کاربرد تجزیه و تحلیل منطقی در آموزش و پرورش به منظور کارایی و تأثیر آن در رفع نیازهای دانش آموزان، دانشجویان و جامعه. بنا به تعریفی دیگر، برنامه ریزی آموزشی عبارت است از تعیین اهداف آموزشی و پیشبینی عملیات و فعالیت های آموزشی برای رسیدن به اهداف آموزشی از قبل تعیین شده، با توجه به امکانات و محدودیت های آموزشی و همچنین، نظام ارزشی جامعه (رحیمی، ۱۳۸۳).

برنامه ریزی آموزشی از حساس ترین و دقیق ترین انواع برنامه ریزی محسوب می شود. زیرا از یک سو برای انجام آن باید عوامل فراوانی را در نظر گرفت و زوایای گوناگون را ارزیابی کرد و از سوی دیگر، برای ارزیابی نتایج آن و قضاوت درباره آن باید چند سالی به انتظار نشست. این خصلت ها اقتضاء می کند برنامه ریزی آموزشی با دقت، احتیاط و وسواس خاصی انجام گیرد.

سازمان ها باید اطمینان حاصل کنند که صلاحیت ها و ویژگی های مطلوب، یاد گرفته شده اند و دانش، مهارت و توانایی های مورد نیاز کارکنان توسط برنامه های آموزشی افزایش یافته و به کار بسته می شوند و لازم است تا سیستم برنامه ریزی آموزشی به گونه ای طراحی گردد تا بتواند شایستگی ها، دانش، مهارت و توانائی هایی که توسط آموزش هدف قرار گرفته اند را به درستی ارزیابی کند و سرانجام سازمان نیازمند فرهنگی است که اساسا از یادگیری مداوم به عنوان بخشی از وظیفه کاری هر فرد، حمایت کند. راجر کافمن و جری هرمن فرایند برنامه ریزی آموزشی استراتژیک را در قالب سه زمینه اصلی بازنمایی نموده اند که، عبارت است از: بازاندیشی، بازسازی ساختارها و بازآفرینی. امر بازاندیشی از مقصدها و نتایج نظام آموزشی آغاز می شود. این امر بر مبنای اطلاعات حاصل از دورنگری و گردآوری داده ها میسر می گردد. بازسازی ساختار نظام آموزشی حاصل تعامل و اجرای سه زمینه دورنگری، گردآوری داده ها و برنامه ریزی است (نویدبخش و بختیاری، ۱۳۹۵).

¹ Philip Coombs

در فرآیند برنامه ریزی قبل از هر اقدامی باید هدف های آموزشی برای توسعه آموزش از نظر کمی و کیفی، در طول زمان مورد نظر بعنوان نخستین مرحله تدوین شود. یعنی اهدافی که در جریان اجرای یک برنامه آموزشی می خواهیم بدان دست یابیم مشخص گردد. سپس منابع مورد نیاز برای تحقق بخشیدن به هدف های آموزشی تعیین شود و این مرحله شامل پیش بینی منابع آموزشی، امکانات آموزشی، اقتصادی و مالی مورد نیاز برای اجرای یک برنامه است که بدون در نظر گرفتن آن تحقق اهداف آموزشی میسر و ممکن نخواهد بود. تعیین منابع مورد نیاز در برنامه آموزشی نیز همانند اهداف از دو جنبه کمی و کیفی برآوردار است. تعیین منابع در واقع آزمون تلخی است که برای سنجش میزان واقع بینانه بودن مرحله نخست تدوین اهداف برنامه های آموزشی. اگر تعداد نیروهای انسانی مورد نیاز، امکانات آموزشی و میزان بودجه مورد نیاز تخصیص و تامین نگردد تمام معادلات و محاسبات را مختل خواهد کرد. برای رسیدن به برنامه ریزی معقول در فرآیند برنامه ریزی که در مرحله بعدی قرار دارد، تعیین اولویت و نیازهای لازم برای اجرا یک برنامه می باشد تا براساس آن سیاست گذاری و طراحی صورت گیرد و راهبردهای اجرایی پیشنهاد گردد. بعد از این مرحله، مرحله حساس اجرایی و پیاده کردن اهداف سیاست ها خواهد بود. در فرآیند برنامه ریزی آموزشی موفق میزان درهم تنیدگی مراحل و سایر عوامل سازمانی ارتباط مستقیمی دارد و جز لاینفک توسعه و پیشرفت سازمانی است. بعد از اجرا در مرحله آخر برنامه های آموزشی و شاید مهمترین این مراحل ارزشیابی و ارزیابی مراحل و جمع بندی و گردآوری آمار و اطلاعات برای بهبودی و وضعیت موجود می باشد. البته نباید تلقی کرد که، ارزشیابی بعنوان آخرین مرحله ارزش کمتری دارد بلکه، باید این امر در پایان تمام مراحل و بصورت موردی صورت گرفته تا کم و کاست برنامه ریزی مشخص گردیده و نقاط قوت و ضعف آن مشخص گردد و در این خصوص سیاست های لازم اتخاذ گردد. در اینجا است که زنجیره برنامه آموزشی به ارزشیابی آموزشی منتهی می شود. در واقع، فرآیند برنامه ریزی محصول برقراری تعامل و ارتباط بین وضع مطلوب آموزشی و وضع موجود در نظام آموزشی بوده که برنامه ریزان آموزشی باید در فرآیند برنامه ریزی این تعامل و تعادل را در تمام مراحل برقرار نمایند (چرابین و دیهیم، ۱۳۹۶).

۳-۲. نقش برنامه ریزی منطقه ای در آموزش

آموزش و پرورش در تولید سرمایه انسانی نقش اساسی ایفا می کند و با ایجاد مهارت های فیزیکی و شناختی در افراد در تولید نیروی کار مولد و به تبع آن رشد اقتصادی تأثیرگذار است. همچنین، آموزش و پرورش با تعلیم دادن افراد موجب ایجاد تحرک اجتماعی و سیاسی در آنها می شود. در سطح کلان آموزش و پرورش منجر به تأمین رفاه افراد و برقراری عدالت اجتماعی می شود (فرانکما و بولت^۲، ۲۰۰۶).

بحث هایی در مورد نقش آموزش در توسعه اقتصادی تا دهه ۱۹۶۰ به صورت پراکنده مطرح می شد، تا اینکه تئودور شولتز نظریه سرمایه انسانی را مطرح نمود و افزایش درآمد سرانه کارگران را ناشی از سرمایه گذاری در منابع انسانی ادعا کرد و بنابر ادعای او سرمایه گذاری در انسان یعنی آموزش و پرورش. طرفداران این نظریه بر این باور بودند که افرادی که دارای تحصیلات بالاتر هستند، از درآمدهای بیشتری برخوردار می شوند که از بالا بودن بهره وری آنها ناشی می شود و این افزایش بهره وری موجب رشد اقتصادی و به تبع آن توسعه جوامع می گردد. برنامه ریزی منطقه ای، نوعی برنامه ریزی درازمدت برای توزیع بهینه تر جمعیت، امکانات و فعالیت های مختلف جهت افزایش رفاه، بهره

² Frankema & Bolt

وری، هماهنگی و توازن جامعه و پل ارتباطی برنامه های ملی با برنامه های منطقه ای است که برنامه ریزی نظام آموزشی از این قاعده مستثنی نیست؛ آموزش و پرورش نه تنها موجب ترویج دانش گردیده، بلکه با پیشرفت های پژوهشی، فناوری و علمی، منجر به تولید دانش جدید نیز می شود. بر این اساس کمیت و کیفیت دانشگاه ها و مراکز آموزشی و نقش دانش آموختگان به عنوان یکی از مهمترین سرمایه های انسانی، سهمی مضاعف در پیشرفت و اعتلای اقتصاد ایفا می نماید (آقاتبار و همکاران، ۱۳۹۷).

هدف از برنامه ریزی منطقه ای آموزشی، ایجاد توازن و تعادل در توسعه آموزش با بهره گیری از امکانات و قابلیت های گوناگون مناطق و برپایه اطلاعات واقعی از وضع موجود، امکانات بالقوه و بالفعل منابع انسانی است. پیاده سازی طرح برنامه ریزی منطقه ای آموزشی در تدوین برنامه های توسعه مدارس و مؤسسات آموزشی در راستای هدفمندسازی آموزش و استفاده بهینه از سرمایه گذاری ها و امکانات موجود، موجب رشد متوازن و متناسب مناطق مختلف کشور و منجر به کاهش جریان مهاجرت به مراکز شهرها و استان های برخوردار خواهد شد. برنامه ریزی منطقه ای و آموزش تاثیری دوسویه بر یکدیگر دارند، در عین حال که فعالیت های آموزشی دارای تاثیراتی بر برنامه ریزی منطقه ای است، برنامه ریزی منطقه ای نیز می تواند به صورت یک راهنما، در تنظیم برنامه های آموزشی تاثیرگذار باشد (همان منبع).

به خاطر اهمیت آموزش و پرورش در رشد و توسعه جوامع، بررسی چگونگی توزیع آموزش و پرورش در جوامع مختلف در سال های اخیر اهمیت پیدا کرده و توجه زیادی به بحث برابری در آموزش و پرورش و بهره مندی کودکان مناطق جغرافیایی مختلف به آموزش با کیفیت معطوف شده است. دسترسی برابر به آموزش از حقوق اساسی هر فرد به شمار می رود (کاین و اسمیت^۳، ۲۰۰۵).

یکی از شاخص های اساسی در طبقه بندی نابرابری های آموزشی، منطقه جغرافیایی محل زیست دانش آموزان است. در این نوع از نابرابری بهره مندی فرد از آموزش و پرورش به وسیله منطقه محل زیست او محدود می شود. شواهد موجود و مطالعات مربوط به توسعه یافتگی مناطق مختلف نشان می دهد این نوع نابرابری یکی از چالش های اصلی سیستم آموزش و پرورش به شمار می رود. کاهش این نوع نابرابری در وهله اول منوط به توزیع متناسب منابع و امکانات در نواحی مختلف و توان سیستم های آموزشی در ایجاد تغییرات اساسی برای کاستن از نابرابری های منطقه ای است. هر نوع برنامه ریزی برای تخصیص منابع در وهله اول نیازمند شناسایی وضع موجود است و انجام مطالعاتی در زمینه نابرابری در آموزش با استفاده از جمع آوری داده های واقعی و تحلیل منظم آنها سبب می شود: ۱- موقعیت فعلی شاخص هایی که نتایج کلیدی و مهم را درباره مناطق و گروه های اجتماعی مختلف منعکس می کنند؛ ۲- روندهای گذشته در سرمایه گذاری و نتایج و ۳- شکاف هایی که باید پر شوند، مشخص شود. این کار کمک خواهد کرد تا نوع درون داده ها و برون داده های حاصل برای مناطق و گروه های مختلف شناسایی شود و توجه برنامه ریزان و مدیران آموزشی را به اتخاذ سیاست ها و برنامه ها جهت رفع کمبودها و ناهمگنی ها جلب خواهد کرد (ژینگرن و سنکر^۴، ۲۰۰۹).

³ Qian & Smyth

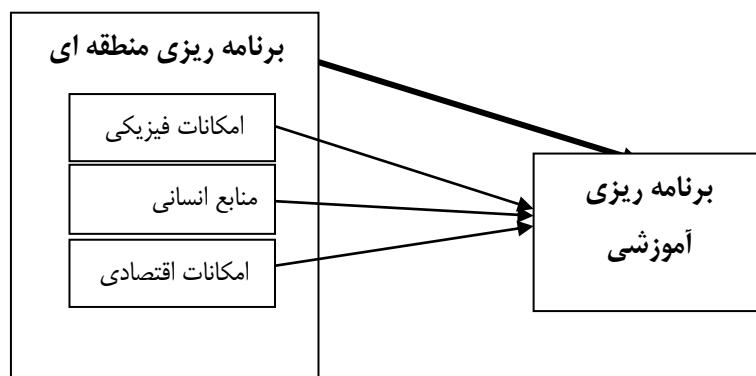
⁴ Jhingran & Sankar

این اتفاق نظر وجود دارد که از میان نهادهای موجود در جامعه تنها از طریق سیستم آموزشی است که می توان برابری را در جامعه ایجاد کرد. از نقطه نظر برنامه ریزی، سیستم آموزشی دارای اهمیت است، حتی اگر تنها عامل از بین برنده نابرابری ها نباشد. این به این علت است که ساختارهای نهادی ابزارهای مفیدی برای سیاست گذاران و برنامه ریزان هستند که از طریق این ساختارها می توانند نابرابری های آموزشی را کاهش دهند (هورن^۵، ۲۰۱۰).

یکی از شیوه های اساسی برای شناسایی مناطق محروم و ارزیابی عملکرد و موفقیت سیستم های آموزشی در پوشاندن ضعف ها و نقایص استفاده از شاخص های آموزشی است. موسوی و حسینی در سال ۱۳۹۰، درجه توسعه یافتگی و محرومیت مناطق ۲۴ گانه آموزشی استان آذربایجان غربی را با استفاده از ۷۲ شاخص مورد بررسی قرار داده اند. برزویان در سال ۱۳۷۶، به رتبه بندی و تعیین جایگاه مناطق ۱۹ گانه شهر تهران از نظر معیارهای توسعه آموزشی و ارائه پیشنهادات عملی در جهت محرومیت زدایی و ایجاد تعادل منطقه ای پرداخته است که برای مشخص نمودن جایگاه مناطق آموزش و پرورش تهران از ۶۱ شاخص در قالب چهار بخش امکانات فیزیکی مدارس، امکانات آموزشی، اقتصادی آموزشی و پیشرفت تحصیلی نموده است. زیاری نیز، در سال ۱۳۸۳، با استفاده از ۳۳ شاخص آموزشی مناطق آموزش و پرورش استان یزد را از طریق مدل تحلیل عاملی رتبه بندی کرده است.

همانگونه که بیان شد، برنامه ریزی آموزشی در حقیقت عبارت است از، تعیین اهداف آموزشی و پیش بینی عملیات و فعالیت های آموزشی برای رسیدن به اهداف آموزشی از قبل تعیین شده، با توجه به امکانات و محدودیت های آموزشی و همچنین نظام ارزشی جامعه. اما آمایش سرزمین نوعی برنامه ریزی بلندمدت برای توزیع بهتر جمعیت و فعالیت های اقتصادی در زمینه منابع طبیعی به منظور افزایش رفاه و توسعه جامعه است. بنابراین، آمایش سرزمین و برنامه ریزی آموزشی با توجه به حیطه فعالیتشان می توانند نقش مهمی در به فعلیت رساندن ظرفیت ها و قابلیت های منابع مختلف ایفا کنند. شاخص های برنامه ریزی منطقه ای طبق برداشت از اکثر تحقیقات مختلف شامل نابرابری اجتماعی و فضایی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و می باشد که در این تحقیق از بعد نابرابری های اجتماعی و فضایی مورد بررسی قرار گرفته است. همانگونه که در نمودار (۱) نشان داده شده است، در این مدل، تأثیر متغیر مستقل برنامه ریزی منطقه ای از بعد نابرابری اجتماعی و فضایی شامل شاخص های (امکانات فیزیکی فضاهای آموزشی، شاخص منابع انسانی، امکانات اقتصادی)، بر متغیر وابسته (برنامه ریزی آموزشی) نمایش داده شده است.

⁵ Horn



نمودار (۱). مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به توضیحات ارائه شده و بیان روابط بین متغیرهای تحقیق، برای دستیابی به اهداف تحقیق می‌توان از فرضیه‌های زیر استفاده می‌شود:

فرضیه اصلی اول: برنامه ریزی منطقه‌ای در روند برنامه ریزی آموزشی دبیرستان‌ها تأثیر دارد.

فرضیه‌های فرعی نیز، عبارتند از:

فرضیه فرعی اول: امکانات فیزیکی در روند برنامه ریزی آموزشی دبیرستان‌ها تأثیر دارد.

فرضیه فرعی دوم: منابع انسانی در روند برنامه ریزی آموزشی دبیرستان‌ها تأثیر دارد.

فرضیه فرعی سوم: امکانات اقتصادی در روند برنامه ریزی آموزشی دبیرستان‌ها تأثیر دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. همچنین، از نظر روش و ماهیت، از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، عبارت است از دبیران ناحیه ۴ شهر مشهد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، از نوع نمونه‌گیری تصادفی ساده از طریق قرعه‌کشی می‌باشد. از آنجا که، تعداد دبیران ناحیه ۴ شهر مشهد حدود ۱۱۲۰ نفر به صورت رسمی، پیمانی و قراردادی می‌باشد؛ لذا، با قرار دادن این تعداد جامعه در رابطه کوکران تعداد حجم نمونه برابر ۲۸۶ بدست آمده است. ابزار لازم برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه کتبی محقق‌محور می‌باشد. برای بررسی پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ که، برای سؤالات چند مقیاسی کاربرد دارد، استفاده شده است. که ضریب آلفای کرونباخ در تحقیق حاضر بیشتر از ۰/۷۰ بدست آمد، که نشان‌دهنده پایایی مناسب می‌باشد. از لحاظ روایی، پرسشنامه این تحقیق، توسط محقق با استفاده از سایر پژوهش‌های مشابه در این زمینه گردآوری شده است. و برای سنجش اعتبار، به مشورت و تایید تعدادی از اساتید مدیریت برنامه ریزی آموزشی، مدیران و دبیران رسیده است. بدین ترتیب، روایی محتوایی آن به تصویب رسید. همچنین، از روش تی استیودنت برای آزمون فرضیات و آزمون فریدمن برای تعیین اولویت متغیرهای مستقل در این پژوهش استفاده شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش به منظور بررسی وجود و یا میزان یک متغیر در جامعه مورد بررسی می‌توان، از آزمون تی استیودنت استفاده نمود. این آزمون، پارامتریک می‌باشد و برای استفاده از آن باید، از نرمال بودن توزیع متغیر مورد نظر، اطمینان حاصل کرد. ولی در این پژوهش، به علت بالا بودن اعضای جامعه و نمونه‌نیازی به انجام آزمون برای تایید نرمال بودن سوالات نمی‌باشد. در این روش، ملاک برای بالا یا پایین بودن یک متغیر، مقدار میانه مقیاس در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، با توجه به تحقیقات مشابه که در گذشته انجام شده و بنا به نظر و تائید برخی از اساتید و خبرگان علم آمار، چون مقیاس سنجش در این پژوهش، لیکرت پنج گزینه‌ای می‌باشد، مقدار ۳ انتخاب می‌شود و تست می‌شود که آیا میانگین متغیر مورد نظر در جامعه، از مقدار ۳ بالاتر هست یا خیر. حال اگر مقدار میانگین، بیشتر از ۳ باشد، نتیجه گرفته می‌شود که متغیر مورد نظر در جامعه وجود دارد و یا میزان آن بالاست. و همچنین، اگر حد بالا و حد پایین هر دو مثبت باشند، بدین معنی است که میانگین جامعه در مورد آن متغیر بیشتر از ۳ می‌باشد و چنانچه اولی مثبت و دومی منفی باشد، میانگین جامعه تقریباً مقدار آزمون که همان ۳ است، می‌باشد. همچنین، منفی بودن این دو مقدار، بدین معنی می‌باشد که میانگین متغیر مورد نظر، در جامعه کمتر از ۳ می‌باشد و این متغیرها در جامعه مورد بررسی، در سطح پایینی قرار دارند.

فرضیه فرعی اول: امکانات فیزیکی در روند برنامه ریزی آموزشی دبیرستان‌ها تأثیر دارد.

در جدول (۱) مقادیر حد بالا و پایین، میانگین و سطح معنی‌داری برای متغیر امکانات فیزیکی نمایش داده شده است که بنا به آن، سطح معنی‌داری از سطح خطا یعنی ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین، این آزمون از لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

جدول (۱). نتیجه آزمون تی استودنت فرضیه فرعی ۱

عامل	سطح معنی‌داری	میانگین	حد پایین	حد بالا	نتیجه آزمون
امکانات فیزیکی	۰/۰۰۰	۳/۸۹۵۸۳	۳/۸۵۵۵	۳/۹۳۶۱	قبول

با توجه به، فرضیه آماری در نظر گرفته شده:

از دیدگاه پاسخ دهندگان، فرضیه تحقیق مورد تایید قرار نمی‌گیرد. $H_0: \mu \leq x$

از دیدگاه پاسخ دهندگان، فرضیه تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرد. $H_1: \mu > x$

به دلیل اینکه، میانگین بزرگتر از ۳ می‌باشد ($3/89583 > 3$) و حد بالا و پایین هر دو مثبت اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که، فرض H_1 قبول می‌باشد و این فرضیه مورد تایید است.

فرضیه فرعی دوم: منابع انسانی در روند برنامه ریزی آموزشی دبیرستان‌ها تأثیر دارد.

در جدول (۲) مقادیر حد بالا و پایین، میانگین و سطح معنی‌داری برای متغیر منابع انسانی نمایش داده شده است که بنا به آن، سطح معنی‌داری از سطح خطا یعنی ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین، این آزمون از لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

جدول (۲) نتیجه آزمون تی استودنت فرضیه فرعی ۲

عامل	سطح معنی داری	میانگین	حد پایین	حد بالا	نتیجه آزمون
منابع انسانی	۰/۰۰۰	۴/۱۴۴۲۷	۴/۱۰۷۳	۴/۱۸۱۳	قبول

با توجه به، فرضیه آماری در نظر گرفته شده:

از دیدگاه پاسخ دهندگان، فرضیه تحقیق مورد تایید قرار نمی گیرد. $H_0: \mu \leq x$

از دیدگاه پاسخ دهندگان، فرضیه تحقیق مورد تایید قرار می گیرد. $H_1: \mu > x$

به دلیل اینکه، میانگین بزرگتر از ۳ می باشد ($4/14427 > 3$) و حد بالا و پایین هر دو مثبت اند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که، فرض H_1 صحیح است و این فرضیه قابل قبول است.

فرضیه فرعی سوم: امکانات اقتصادی در روند برنامه ریزی آموزشی دبیرستان ها تأثیر دارد.

در جدول (۳) مقادیر حد بالا و پایین، میانگین و سطح معنی داری برای متغیر امکانات اقتصادی نمایش داده شده است که بنا به آن، سطح معنی داری از سطح خطا یعنی ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین، این آزمون از لحاظ آماری معنادار می باشد.

جدول (۳) نتیجه آزمون تی استودنت فرضیه فرعی ۳

عامل	سطح معنی داری	میانگین	حد پایین	حد بالا	نتیجه آزمون
امکانات اقتصادی	۰/۰۰۰	۴/۲۳۸۶۷	۴/۲۰۰۹	۴/۲۷۶۴	قبول

با توجه به، فرضیه آماری ذکر شده در فصل سوم:

از دیدگاه پاسخ دهندگان، فرضیه تحقیق مورد تایید قرار نمی گیرد. $H_0: \mu \leq x$

از دیدگاه پاسخ دهندگان، فرضیه تحقیق مورد تایید قرار می گیرد. $H_1: \mu > x$

به دلیل اینکه، میانگین بزرگتر از ۳ می باشد ($4/23867 > 3$) و حد بالا و پایین هر دو مثبت اند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که، فرض H_1 صحیح است و این فرضیه قابل قبول است.

فرضیه اصلی اول: برنامه ریزی منطقه ای در روند برنامه ریزی آموزشی دبیرستان ها تأثیر دارد.

در جدول (۴) مقادیر حد بالا و پایین، میانگین و سطح معنی داری برای متغیر برنامه ریزی منطقه ای نمایش داده شده است که بنا به آن، سطح معنی داری از سطح خطا یعنی ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین، این آزمون از لحاظ آماری معنادار می باشد.

جدول (۴) نتیجه آزمون تی استودنت فرضیه اصلی

عامل	سطح معنی داری	میانگین	حد پایین	حد بالا	نتیجه آزمون
فرضیه اصلی	۰/۰۰۰	۴/۰۹۲۹۳	۴/۰۷۰۷	۴/۱۱۵۲	قبول

با توجه به، فرضیه آماری ذکر شده در فصل سوم:

از دیدگاه پاسخگویان، فرضیه تحقیق مورد تایید قرار نمی گیرد. $H_0: \mu \leq x$

از دیدگاه پاسخگویان، فرضیه تحقیق مورد تایید قرار می گیرد. $H_1: \mu > x$

به دلیل اینکه، میانگین بزرگتر از ۳ می باشد ($4/09293 > 3$) و حد بالا و پایین هر دو مثبت اند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که، فرض H_1 صحیح است و این فرضیه قابل قبول است.

آزمون فریدمن

برای تعیین تاثیر و میزان اهمیت هریک از عوامل برنامه ریزی منطقه ای از بعد نابرابری فضایی و اجتماعی که، بر روند برنامه ریزی آموزشی موثر اند، از آزمون فریدمن استفاده می نمایم. این آزمون بیان می دارد که بین این عوامل، کدام عامل از سایر عوامل مهمتر می باشد و از نظر پاسخ دهندگان تاثیر بیشتری بر برنامه ریزی آموزشی دارد.

جدول (۵) نتیجه آزمون فریدمن برای تعیین میزان اهمیت متغیرها

عامل	میانگین دسته ها	رتبه (اولویت)
امکانات فیزیکی	۱/۶۱	۳
منابع انسانی	۲/۰۷	۲
امکانات اقتصادی	۲/۳۲	۱

با توجه به جدول (۵)، متغیر امکانات اقتصادی بیشترین تاثیر را در روند برنامه ریزی آموزشی می گذارد. بعد از آن نیز، متغیرهای منابع انسانی و امکانات فیزیکی، به ترتیب بیشترین اهمیت را در روند برنامه ریزی آموزشی در دبیرستان ها دارا هستند.

۵. بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، تأثیر متغیر مستقل برنامه ریزی منطقه ای از بعد نابرابری اجتماعی و فضایی شامل شاخص های (امکانات فیزیکی فضاهای آموزشی، شاخص منابع انسانی، امکانات اقتصادی)، بر متغیر وابسته (برنامه ریزی آموزشی) تایید داده شده است. نابرابری در تمام سطح و اشکال آن می تواند پیامدهای ناگواری در سطح خرد و کلان داشته باشد. آموزش و پرورش سنگ زیربنای هر جامعه است و مقوله هایی از قبیل برابری، عدالت، آزادی و فرصت های مساوی، حقوق فردی و نظایر آن فقط از طریق برنامه ریزی صحیح آموزش و پرورش تحقق می پذیرد. برنامه ریزی منطقه ای و برنامه

ریزی آموزشی با توجه به حیطه فعالیتشان می توانند نقش مهمی در به فعلیت رساندن ظرفیت ها و قابلیت های منابع مختلف ایفا کنند. همانگونه که در این پژوهش بیان گردید برنامه ریزی آموزشی اتخاذ تدابیری است برای انجام امور آموزشی که بیشتر متوجه سیستم های آموزشی است. اما، برنامه ریزی منطقه ای متوجه برنامه ریزی فضا و جغرافیای منابع طبیعی و منابع انسانی و منابع مالی است. یعنی سیستم های بازتر و گسترده تر از نظام آموزشی می باشد. امروزه یکی از شاخص ها و معیارهای توسعه یافتگی، میزان انطباق برنامه های اجرایی هر کشور با مبانی و مطالعات جامع برنامه ریزی های منطقه ای می باشد. به اعتقاد نگارنده برنامه ریزی منطقه ای مبنای سیاست گذاری و اجرایی هر کشور می باشد که می تواند از مزیت ها، فرصت ها و استعدادهای هر سرزمین به گونه ای استفاده کند که محدودیت ها، تهدیدها و چالش ها، کمترین زمینه تاثیرگذاری و میدان مانور را داشته باشد. در نظام آموزشی برنامه ریزی منطقه ای با تبیین قابلیت ها و توانمندی های منابع مختلف و نیازسنجی درست می تواند به برنامه ریزی آموزشی و درسی و سیاست گذاری در سازمان آموزش و پرورش کمک کند. تحقق یک نظام ارایه خدمات آموزشی اثربخش که بتواند منجر به تولید خدمات اجتماعی، اقتصادی با کیفیت و تربیت نیروهای انسانی کارا و سرمایه های اجتماعی جهت نیل به توسعه در کشور شود، مستلزم پیاده سازی الگوی برنامه ریزی آمایش سرزمینی، برنامه ریزی منطقه ای و به نفع آن برنامه ریزی آموزشی است در این راستا، فلاح و عباس پور (۱۳۹۵) تاثیر سیاست گذاری های ملی و منطقه ای را در برنامه ریزی منطقه ای تایید نموده اند. سامری و همکاران نیز، تاثیر تبیین نابرابری های منطقه ای و فضایی را در توسعه آموزش نشان دادند. آقابتبار و همکاران (۱۳۹۷) و ثمری و گرائی نژاد (۱۳۹۲) نیز، تاثیر آمایش سرزمین و برنامه ریزی های منطقه ای را بر توسعه آموزش تایید نموده اند. در واقع، هدف از به کارگیری برنامه ریزی منطقه ای در روند برنامه ریزی آموزشی، ایجاد توازن و تعادل در توسعه آموزش با بهره گیری از امکانات و قابلیت های گوناگون مناطق (استان ها) و برپایه اطلاعات واقعی از وضع موجود، امکانات بالقوه و بالفعل منابع انسانی است. پیاده سازی طرح برنامه ریزی منطقه ای در برنامه ریزی آموزشی، در تدوین برنامه ای توسعه مدارس و مؤسسات آموزشی در راستای هدفمندسازی آموزش و استفاده بهینه از سرمایه گذاری ها و امکانات موجود، موجب رشد متوازن و متناسب مناطق مختلف کشور و منجر به کاهش جریان مهاجرت به مراکز استان های برخوردار (توسعه یافته) خواهد شد. برای کاهش نابرابری بر اساس یافته تحقیق پیشنهاد می گردد، برنامه ریزان آموزشی توجه بیشتری به مناطق محروم استان و متغیرهای تأثیرگذارتر و مهم تر بر نابرابری مناطق آموزشی مبذول نمایند. همچنین، برای جذب امکانات بیشتر و بودجه ای که بتواند به میزان بیشتری از نیازها و تقاضاهای گروه های آموزشی پاسخ دهد، تلاش نمایند.

۶. منابع و مآخذ

۱. آقابتبار، جمیله؛ بریمانی، خدیجه؛ آقامیرزایی، طاهره و صفاریان، سعید (۱۳۹۷)، آمایش سرزمین، راهبردی برای توسعه آموزش عالی سلامت، فصلنامه علمی پژوهشی تزکیه، دوره ۲۷، شماره ۲، ص ۱۲۳-۱۱۳.
۲. امیر شقاقی شاهین (۱۳۹۴)، اصول توسعه تعالی، از شاخص های بینادین حوزه مادی، معنوی و فرهنگی تا چشم انداز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چهارمین کنفرانس الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت تهران، ص ۲۲-۱

۳. ثمری، عیسی و گرائی نژاد، غلامرضا (۱۳۹۲)، نگاهی به جایگاه مفهومی آمایش آموزش عالی در آمایش سرزمین: راهنمایی برای توسعه دانشگاهی، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال پنجم، شماره سوم، ص ۱۴۲-۱۱۷.

۴. چراغین، مسلم و دیهیم، جواد (۱۳۹۶)، نقش برنامه ریزی آموزشی در تحقق برنامه های توسعه ملی با تاکید بر نظام آموزشی، فصلنامه ایده های نو در علوم و فناوری.

۵. رحیمی، رحمت الله (۱۳۸۳)، برنامه ریزی آموزشی چیست؟، تعاون، شماره ۱۵۳، ص ۶۰-۵۶.

۶. رستمی، مهرانگیز و ملک، صادق (۱۳۹۴)، مرور نقش برنامه ریزی آموزشی موفق در سطوح جهانی، قاره ای، منطقه ای و ملی برای دستیابی به توسعه اجتماعی، دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه.

۷. سامری، مریم؛ حسنی، محمد؛ سیدعباسزاده، میر محمد و موسوی، میر نجف (۱۳۹۴)، تبیین نابرابری های آموزشی و ارائه مدل توسعه آموزشی به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی مورد شناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غرب، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۴، ص ۱۲۲-۱۰۵.

۸. سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۹)، چالش ها و موانع برنامه ریزی توسعه منطقه ای در ایران، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، ص ۹۸-۸۳.

۹. محسن پور، بهرام (۱۳۸۹)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، نشر، تهران.

۱۰. نویدبخش، سیما و بختیاری، منصوره (۱۳۹۵)، از آمایش سرزمین تا برنامه‌ریزی آموزشی، ماهنامه پژوهشهای مدیریت و حسابداری، شماره ۲۹، ص ۴۱-۳۰.

۱۱. نیلی، محمدرضا (۱۳۹۲)، برنامه ریزی مبتنی بر آمایش در آموزش عالی (الزام ها، چالش ها و راه کارها)، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال پنجم، شماره سوم، ص ۲۶-۱.

۱۲. وحیدی، پریدخت (۱۳۷۳)، آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه ریزی آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳ و ۴.

13. Frankema, E., & Bolt, J., (2006), Measuring and Analysing Educational Inequality: The Distribution of Grade Enrolment Rates in Latin America and Sub-Saharan Africa, Groningen

14. Growth and Development Centre, April 2006 JEL Classification Numbers: C43, D63, I20, I32, O11, O15.

15. Horn, D., (2010), Essays on educational institutions and inequality of opportunity, A Doctoral

16. Dissertation Submitted to the Central European University in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.

17. Jhingran, D., & Sankar, D., (2009), Addressing Educational Disparity, Using District Level

18. Education Development Indices for Equitable Resource Allocations in India.

19. Qian, X., & Smyth, R., (2005), Measuring regional inequality of education in china: widening coastinland gap or widening rural- urban gap? Department of Economics, Monash University, Australia, ABERU Discussion Paper 12.

20. <http://www.verdinejad.com/VisitorPages/show.aspx?IsDetailList=true&ItemID=146>

A survey of the position of regional planning in the educational process (Case study: Mashhad teachers in district 4)

Mohammad Khazaei ^{*1}

Mahbobeh Soleiman pour Omran ²

Hossein Asghari ³

Date of Receipt: 2019/07/19 Date of Issue: 2019/07/22

Abstract

This study aimed to investigate the role of regional planning in the educational process. To this end, the impact of the independent variable of regional planning after social and judicial inequality including physical facilities indices of education spaces, human resources index, and economic opportunities on dependent variable educational planning has been studied. The statistical population of Mashhad teachers in district 4 was selected by simple random sampling method. Questionnaires were also used for data collection and t test was used with SPSS software for hypotheses test. The results of the analysis of the hypotheses indicate that regional planning and its dimensions (physical facilities indices of education spaces, human resources index, and economic opportunities) have a positive and significant effect on high school education process. In addition, the results of Friedman's test show that the variables of economic opportunities have the most impact and after the variables of human resources and physical facilities respectively have the most importance in the process of education in high school.

Keyword

regional planning, educational process, education

1. PhD Student of Educational Management, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran * Corresponding Author (m.khazaei881@yahoo.com)

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran(soleymanpour@bojnourdiau.ac.ir)

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities. Islamic Azad University of Bojnourd Branch, Iran(hasghry@gmail.com)